پرونده «تا بهارستان» «فرهیختگان» - بخش سوم: کارگزاران سازندگی

ماندن با روحانی مرزبندی با اصلاحات

حزب کارگزاران را می توان یکی از احزاب پراگماتیسم میان اصلاح‌طلبان خواند، چه آنکه بیش از هرچیز قائل به نتیجه هستند؛ نتیجه‌ای که خواه کاندیدای رقیب برایشان رقم زند و خواه کاندیدای اصیل خودی و در این میان حتی بارها تاکید داشتند که نقد رقیب به از نسیه خودی است. در شماره‌های گذشته پرونده تابهارستان «فرهیختگان» (۱۸ و ۲۱ آذرماه ۹۸) به بررسی حزب اتحاد ملت و جبهه پایداری پرداختیم و در شماره امروز حزب کارگزاران سازندگی را در ترازوی نقد و بررسی قرار خواهیم داد.

حانیه موحدین
روزنامه‌نگار

علم استقلال

چهارشنبه ۲۷ دی سال ۱۳۷۴، ۱۶۰ تن از معاونان هاشمی‌رفسنجانی (رئیس‌جمهور وقت)، وزرا و مدیران اجرایی دولت وشهردار وقت پایتخت ابایی نداشتند که عزم راسخ خود برای انتخابات مجلس پنجم و کسب کرسی‌های پارلمان را طی بیانیه‌ای رسمی اعلام کنند. محمد هاشمی، عطاءالله مهاجرانی، مصطفی هاشمی‌طبا و رضا امراللهی از معاونان رئیس‌جمهور، به همراه محسن نوربخش رئیس کل بانک مرکزی، غلامحسین کرباسچی شهردار وقت تهران و ۱۰ تن از وزرای کابینه دوم هاشمی‌رفسنجانی یعنی محمدعلی نجفی وزیر آموزش و پرورش، بیژن زنگنه وزیر نیرو، محمدرضا نعمت‌زاده وزیر صنایع، اکبر ترکان وزیر راه و ترابری، اسماعیل شوشتری وزیر دادگستری، مرتضی محمدخان وزیر اقتصاد و دارایی، عیسی کلانتری وزیر کشاورزی، سیدمحمد غرضی وزیر پست و تلگراف، غلامرضا شافعی وزیر تعاون، غلامرضا فروزش وزیر جهاد سازندگی ۱۶ نفری بودند که این بیانیه به امضای آنان منتشر شده بود. در این بیانیه تاکید کرده بودند: «هاشمی و مجلس دو کلمه مترادفند که اقتدار هر یک، مایه عزت دیگری است.» بیانیه‌ای که بعدها به بیانیه اعلام موجودیت حزب کارگزاران سازندگی نیز تعبیر شد. بیانیه به اصطلاح کارگزاران اجرایی دولت هاشمی‌رفسنجانی در میان گروه‌های مختلف وکانش برانگیز شد. از سوی ورود رسمی دولتی‌ها به میدان رقابت انتخاباتی نهی می‌شد و از سوی دیگر به‌خصوص نمایندگان مجلس تاکید بیانیه کارگزاران بر این را که «در شأن و منزلت و عزت مجلس شورای اسلامی همین بس که ولادتش را با هاشمی آغاز کرد و دوران بلوغ رشد و کمالش را با وسپری نمود؛ اهانت و جسارت به مجلس خواندند تا آنجا که خواستار عذرخواهی کارگزاران از مجلس شدند. از این رو کارگزارانی‌ها در نامه‌ای به رهبر انقلاب خواستار نظر ایشان درخصوص ادامه فعالیت شان شدند. رهبری در پاسخ به این نامه ۷ بهمن ۷۴، چند خطی کوتاه مرقوم فرمودند. آیت‌الله خامنه‌ای تصریح کردند که مجلس باید از این دوره مورد اشاره روند رشد و کمال خود را ادامه داده و بعد از این هم ادامه خواهد داد و از سوی دیگر تاکید کردند همه موظفند از هر آنچه موجب کدورت و تشنج افکار و اذهان است، پرهیز کنند. به گفته محمد هاشمی، رئیس هیات‌موسس حزب کارگزاران در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: «این تاکید رهبری همان روزها در دیدار رمضانی با اعضای دولت نیز تصریح شد با این تاکید مضاعف که «اگر دولت و وزرا بخواهند نماینده تعیین کنند؛ این نماینده وکیل الدوله می‌شود یعنی وکیل مردم نمی‌شود. این گاهی شخصیت‌های استثنایی در جوامع حضور پیدا می‌کنند که از این قاعده مستثنا هستند.» اگرچه درنهایت تیر اصلی کارگزارانی‌ها به هدف نشست و حتی با فرض عدم منع قانونی نیز میان افکارعمومی رغبتی برای ادامه دولت هاشمی‌رفسنجانی احساس نمی‌شد.

بیانیه از انتشار لیست و معرفی داوطلبان نمایندگی خودداری کردند، با این حال در این بیانیه تصریح شده بود: «نامزدهای خدمتگزاران سازندگی ایران، بر اساس تایید معاونان رئیس‌جمهور و سایر کارگزاران عرضه خواهد شد که عهده‌دار مسئولیت وزارت نباشند.» و کارگزارانی‌ها در این بیانیه که در روز آغاز ثبت‌نام از داوطلبان نمایندگی منتشر شده بود، تاکید داشتند: «بدیهی است که همه امضاکنندگان بیانیه همچنان در صحنه شورآفرین انتخابات حاضر بوده و آحاد ملت را در سراسر میهن اسلامی برای حضور در صحنه و ادای تکلیف سیاسی‌شان تحریض، تشویق و بسیج خواهند نمود.» با این حال این بیانیه نیز به امضای همان ۱۶ نفر قبلی رسیده بود. ناطق‌نوری، رئیس مجلس وقت در کتاب خاطرات خود نقل کرده است: «آقای هاشمی گفتند یک عده‌ای هستند که خواست‌هایی دارند و اگر شما به خواسته‌هایشان عمل کنید، آنها لیست نخواهند داد. در غیر این صورت آنها اقدام به تهیه لیست می‌کنند. خواسته آنها این بود که حداقل پنج‌نفر از افرادی را که معرفی می‌کنند در لیست خودمان قرار دهیم. واقعیت این است که از قبل برنامه‌ها ردیف بود و آنها هم کسانی را پیشنهاد داده بودند که ما نمی‌توانستیم همه را به‌راحتی قبول کنیم. آقای هاشمی ادامه دادند آقایان امامی‌جماراني، توسلی، محمدعلی واکنش برانگیز شد. از سوی ورود رسمی دولتی‌ها به میدان رقابت انتخاباتی نهی می‌شد و از سوی دیگر به‌خصوص نمایندگان مجلس تاکید بیانیه کارگزاران بر این را که «در شأن و منزلت و عزت مجلس شورای اسلامی همین بس که ولادتش را با هاشمی آغاز کرد و دوران بلوغ رشد و کمالش را با وسپری نمود؛ اهانت و جسارت به مجلس خواندند تا آنجا که خواستار عذرخواهی کارگزاران از مجلس شدند. از این رو کارگزارانی‌ها در نامه‌ای به رهبر انقلاب خواستار نظر ایشان درخصوص ادامه فعالیت شان شدند. رهبری در پاسخ به این نامه ۷ بهمن ۷۴، چند خطی کوتاه مرقوم فرمودند. آیت‌الله خامنه‌ای تصریح کردند که مجلس باید از این دوره مورد اشاره روند رشد و کمال خود را ادامه داده و بعد از این هم ادامه خواهد داد و از سوی دیگر تاکید کردند همه موظفند از هر آنچه موجب کدورت و تشنج افکار و اذهان است، پرهیز کنند. به گفته محمد هاشمی، رئیس هیات‌موسس حزب کارگزاران در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: «این تاکید رهبری همان روزها در دیدار رمضانی با اعضای دولت نیز تصریح شد با این تاکید مضاعف که «اگر دولت و وزرا بخواهند نماینده تعیین کنند؛ این نماینده وکیل الدوله

هدف اصلی کارگزاران از پرده برون افتاد

با آغاز فعالیت مجلس پنجم در سال ۷۵، پشت‌پرده تلاش برای رسیدن به مجلس نیز از پرده بیرون افتاد؛ تمدید دوره ریاست‌جمهوری هاشمی‌رفسنجانی. جریان چپ که آن زمان کاندیدای رای‌آوری برای خود متصور نبود و کارگزارانی‌ها هم که ابایی نداشتند تعلق خاطر خود را به مرحوم اکبر هاشمی‌رفسنجانی علنی ابراز کنند. از این رو دست‌دردست هم درصدد برآمدند که مهر پایانی بر جبر دو دوره بودن ریاست‌جمهوری زده و امتداد دولت سازندگی را با تغییر قانون اساسی رقم زنند. در همین راستا روزنامه سلام ۲۹ شهریور ۷۵ از تهیه طوماری توسط نمایندگان نزدیک به کارگزاران در مجلس خبر داد؛ طوماری به حمایت هاشمی‌رفسنجانی و درخواست تمدید دوره ریاست‌جمهوری‌اش. در همین راستا عبدالله نوری به‌صراحت اظهار داشت: «مصلحت نظام اسلامی و منافع کشور ایجاب میکند دوره ریاست‌جمهوری هاشمی‌رفسنجانی برای بار سوم تمدید شود. بنده معتقدم نباید با استناد به منع قانون اساسی درمورد تمدید دوره ریاست‌جمهوری رفسنجانی دست‌های خود را ببندیم. از مردم می‌خواهم به‌عنوان یک وظیفه و برای قدردانی از هاشمی و استمرار برنامه‌های سازندگی و توسعه کشور نگذارند که وی کنار برود.» تاکیدات عبدالله نوری برای تمدید ریاست‌جمهوری هاشمی‌رفسنجانی تا آنجا بود که تصریح داشت: «نباید با استناد به منع قانون اساسی درمورد تمدید دوره ریاست‌جمهوری هاشمی‌رفسنجانی دست‌های خود را ببندیم و کشور و نظام اسلامی را از وجود چنین شخصیت ارزنده و شجاع و مدیری محروم کنیم.»

حسین مرعشی نیز که با لیست کارگزاران به مجلس رفته بود، تاکید داشت: «اگر در مواردی مصلحت نظام ایجاب کند، مجمع تشخیص مصلحت می‌تواند برخلاف قانون اساسی، قانون وضع کند. «حسین روحانی، نایب‌رئیس مجلس پنجم نیز از حامیان مادام‌العمر کردن ریاست‌جمهوری بود و معتقد بود: «قانون اساسی نوکر نظام و ارزش قانون اساسی آرای مردم است. انسان‌های استثنایی و شایسته در قالب قانون نمی‌گنجند.» این حمایت چنان بود که بعد از آن نیز روحانی تاکید داشت: «آقای هاشمی مجلسی‌ای است که وقتی مسئولیتی را رها کند، جای ایشان پر نخواهد شد.» مهاجرانی که معاونت حقوقی و پارلمانی رئیس‌جمهور را برعهده داشت و همان گونه که اشاره شد از موسسان کارگزاران محسوب می‌شد، هرگونه دیکتاتوری را به این طرح رد می‌کرد!

غلامحسین کرباسچی، شهردار تهران هم اگرچه نمی‌توانست کتمان کند که به‌دلیل آمدن احتمالی حضور طولانی‌مدت افراد در مناصب مختلف قانون بازه زمانی برای ریاست‌جمهوری در نظر گرفته است ولی در توجیه طرح کارگزارانی‌ها تیر به سنگ‌خورده کارگزاران برای تمدید ریاست‌جمهوری پدر معنوی‌شان، آیا را تاگزیر از انتخاب کاندیدا برای انتخابات ریاست‌جمهوری هشتم کرد. البته از همان روزهای آغازین مجلس پنجم هاشمی‌رفسنجانی که گویی در خشت خام مجلس پنجم، سنگ بزرگ هوادارانش را علامت نزدن می‌دید، رایزنی‌ها برای انتخابات ریاست‌جمهوری و بررسی گزینه‌های مختلف را آغاز کرده بود. بررسی‌هایی که نشان می‌داد رئیس مجلس پنجم و شیخ نور گزینه چندان مطلوبی به‌عنوان جایگزین در نگاه هاشمی‌رفسنجانی نیست. مطابق آنچه هاشمی در کتاب خاطرات خود نقل کرده است ۵ مهر ۷۵، گفت‌وگویش درخصوص ریاست‌جمهوری با حسن روحانی که آن زمان علاوه‌بر نمایندگی مجلس دبیر شورای‌عالی امنیت ملی نیز محسوب می‌شد، جدی‌تر از قبل می‌شود.

هاشمی در صفحه ۴۸۲ کتاب «سردار سازندگی» به‌صراحت ناطق‌نوری را رقیب می‌خواند و نقل کرده که در این روز روحانی برای کاندیداتوری مردد بوده و تردیدش نیز از این جهت بود که اگر جامعتین (جامعه روحانیت مبارز و جامعه مدرسین قم) از رقیب حمایت کنند، به ضرر اوست.

حسن حبیبی نیز دیگر گزینه مطلوب ائتلاف کارگزارانی‌ها محسوب می‌شد. کارگزارانی‌ها و پدرمعنوی‌شان عزم‌شان جزم بود تا تبلور گشته خویش در مجلس پنجم را در انتخابات ریاست‌جمهوری ببینند. از این رو به قول محمد قوچانی زمانی که ناطق نوری زبان به طعن عصر هاشمی می‌گشود و تشبیه کشور به مالزی را تقبیح می‌کرد، هاشمی به پهلوی چپ خویش غلتیده بود و محمد خاتمی را جایگزین مناسب‌تری نسبت به شیخ نور می‌دید. اگرچه آداب سیاست‌ورزی و حتی اقتضائات رسیدن تیر به هدف حکم می‌کرد جایی برای احتمال چرخش سیب سیاست به نفع شیخ نور نیز گذاشته شود. بر این اساس سیاست اعلامی و اعمالی متفاوت و حتی متناقضی پیگیری شد تا درنهایت بازی برد- برد رقم خورد. از سوی دیگر در افکار عمومی ناطق‌نوری بیش از خاتمی- که اگرچه سابقه وزارت ولی چهره‌ای چندان سرشناس نبود- نماد امتداد دولت هاشمی محسوب می‌شد و همین گزاره باعث می‌شد ظرفیت‌های منفی سپندگی وضع موجود به سبد ناطق‌نوری برپزد و مسیر دولت اصلاحات را بیش از پیش هموار سازد. بر همین اساس کارگزاران به صورت رسمی از کاندیداتوری خاتمی حمایت کرد تا آنجا که غلامحسین کرباسچی سخنرانی بزرگ‌ترین میتینگ انتخاباتی دوم خرداد را برعهده گرفت.

خطبه دوپهلوی نمازجمعه یک هفته مانده به انتخابات هاشمی‌رفسنجانی و چهره‌های شاخص اصلاح‌طلب که از قضا بخت زیادی نیز برای عبور از فیلتر نظارت شورای نگهبان داشتند، بهانه‌ای بود تا نار دیگر نام عارف در سیبل حملات کارگزاران قرار گیرد. این بار محمد قوچانی دست به کار شد و هرچه می‌خواست دل تنگش، در صفحه شخصی‌اش فریاد زد. سردبیر روزنامه سازندگی درباره بی‌برنامگی عارف و بی‌کفایتی شورای عالی اصلاح‌طلبان در راهبری انتخاباتی نوشت: «آقای عارف فکر کردند چون خودشان نامزد نمی‌شوند نیازی نیست در مقام رئیس شورای عالی اصلاح‌طلبان از دیگران دعوت کنند.» قوچانی در ادامه عارف را به «بی‌خیالی»، «بی‌برنامگی» و «بی‌مسئولیتی» متهم کرد و رفتار و رویه باری به هر جهت» او و امثال او را عامل وضعی دانست که به گفته خود، آغاز پایان اصلاح‌طلبان خسته وناامیدار است؛ اصلاح‌طلبانی که فقط در زمین هموار می‌توانند سیاست‌ورزی کنند.

هرچه هست به‌نظر نمی‌رسد این پایان بگومگوها میان عارف و مردان تکنوکرات باشد و احتمالا با روشن‌شدن نتیجه انتخابات فاز جدیدی از آوار انتقادهای کارگزاران در انتظار رئیس شورای عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان خواهد بود.

دوم خرداد و هنگام دروی بذر ائتلاف

مخالف‌خوان اصلاحات

حزب کارگزاران را اگر در هفته‌ها و ماه‌هایی اخیر مهم‌ترین اپوزیسیون درون اصلاحات بخوانیم بر پی‌راه نگفته‌ایم؛ مجموعه‌ای که بلندترین ساز مخالف را با شورای عالی سیاستگذاری میان اصلاح‌طلبان می‌نوازد و هرازچندگاهی هم به بهانه‌های مختلف، رئیس آن را مورد نوازش قرار می‌دهد. کارگزاران از همان ابتدا با شورای عالی سر ناسازگاری داشت و سرآوازکار تصمیم‌گیری در آن را غیردموکراتیک تلقی کرد. نگاهی که البته محدود به برخی تکنوکرات سپهر سیاست ایران نبود و برخی دیگر از احزاب اصلاح‌طلب نظیر مردم‌سالاری، اعتماد ملی و... هم قائل به آن بودند و اینه پارلمان اصلاحات را دنبال می‌کردند. دامنه انتقادهای کارگزاران به شورای عالی سیاستگذاری تا جایی بالا گرفت که حتی با اعلام حزب آغازیه کار مجدد شورای عالی اصلاح‌طلبان با ترکیب جدید بعد از انتخابات ۹۶ توسط عارف، ارگان رسانه‌ای حزب، رئیس فراکسیون امید را عاملی برای تهدید برای اصلاح‌طلبان در انتخابات مجلس یازدهم دانست. روزنامه سازندگی در گزارشی دراین‌باره نوشت: «مهم‌ترین وظیفه شورای عالی تعیین راهبرد برای انتخابات است. این در شرایطی است که عملکرد فراکسیون امید در مجلس و کم‌کاری عارف به‌عنوان رئیس فراکسیون نتوانسته آن‌گونه برای حل بالاگرای دیگر اصلاح‌طلبان را تهدید می‌کند. با نزدیک‌شدن به انتخابات استفاده البته این انتقادها قد و قواره‌ای دیگر به خود گرفت. نقطه آغاز در جدید حملات کارگزاران به سیاستمدار یزدی اصلاح‌طلب، انتخابات هیات‌رئیسه مجلس در خرداد ماه امسال بود، جایی که عارف بار دیگر هوس رقابت با لاریجانی برای کرسی ریاست مجلس به سرش زد و همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد، شکست خورد؛ شکستی که البته تنها به شخص عارف و انتخابات هیات‌رئیسه و عدم توفیق علی مطهری محدود نماند و دامنه‌های آن به تکتک فراکسیون هم نیز کشیده شد. حماسه عارف و رفقا تا مغز استخوان خیلی از اصلاح‌طلبان را سوزاند. کرباسچی یکی از آنها بود. دبیرکل کارگزاران با کنایه به نقش رئیس فراکسیون امید در از دست رفتن یکی از صندلی‌های هیات‌رئیسه در صفحه شخصی خود نوشت: «به همت آقای عارف و دوستانش» آقای مطهری از نایب‌رئیسی معلق حذف شد، و عطرنابغه همان روزها گفته بود او هم جزیی هایش نقد لاریجانی را به نسبه عارف ترجیح می‌دهند. عارف نیز در پاسخی مبهم که فهم ضمیر ماحطبش اصلا کار سختی نبود، پاسخ داد: «راه خود را از فرصت‌طلبان جدا می‌کنیم.» بگومگوها البته به اینجا متوقف نماند و کرباسچی مدعی شد برخی اصلاح‌طلبان در حالی که خودشان همیشه ساکت بوده‌اند و در مدت نمایندگی یک فوت هم در میگرفتن خود نکرده‌اند، پیشنازی مطهری را به ضرر خود می‌دانند.

کرباسچی چند ماه بعد صریح‌تر از همیشه دوباره لب به انتقاد گشود و با تاکید بر لزوم تعریف هویت اصلاح‌طلبی و حدود و ثغور آن در کنایه‌ای سنگین به رئیس شورای عالی سیاستگذاری گفت: «آقای عارف که روزی در مقام ریاست دانشگاه تهران مانع سخنرانی آقای عبدالکریم سروش شد یا آقای سیدجواد طباطبایی را از معاونت پژوهشی برداشت یا روزی دیگر برخوردهایی با انجمن اسلامی داشته، چطور امروز به صحبت‌های محوری اصلاح‌طلبان تبدیل شده و از اوامای هر منصب و مقامی صحبت می‌شود؟» گفته‌هایی که واکنش‌های زیادی را به‌دنبال داشت و موقعیت سیاسی رئیس فراکسیون امید را بیش از گذشته تضعیف کرد. «سرا» با همان سامانه رای‌سنجی اصلاح‌طلبان محمل دیگری بود که کارگزاران در مواجهه با آن بار دیگر علم مخالفت برداشت. دستپخت انتخاباتی شورای عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان به مذاق کرباسچی و رفقا چندان خوش نیامد و او با طرح پرسش‌هایی کلیدی اساس این طرح را زیر سوال برد. دبیرکل کارگزاران با متهم کردن اصلاح‌طلبان به مناسک‌گرایی، مکانیسم انتخاب کاندیداها را که رای‌دهندگان آن از سوی احزاب و افراد عضو شورای عالی سیاستگذاری تعیین می‌شوند، به چالش کشید و در توئیتی نوشت: «بدنه اجتماعی اصلاحات از پایین به بالا شکل می‌گیرد، نه از بالا به پایین! چه کسی حق دارد بدنه اجتماعی اصلاحات را انتخاب کند؟ آنان باید ما را انتخاب کنند یا ما آنان را؟!»

پایان فصل ثبت‌نام کاندیداها و غیبت معنی‌دار بسیاری از چهره‌های شاخص اصلاح‌طلب که از قضا بخت زیادی نیز برای عبور از فیلتر نظارت شورای نگهبان داشتند، بهانه‌ای بود تا بار دیگر نام عارف در سیبل حملات کارگزاران قرار گیرد. این بار محمد قوچانی دست به کار شد و هرچه می‌خواست دل تنگش، در صفحه شخصی‌اش فریاد زد. سردبیر روزنامه سازندگی درباره بی‌برنامگی عارف و بی‌کفایتی شورای عالی اصلاح‌طلبان در راهبری انتخاباتی نوشت: «آقای عارف فکر کردند چون خودشان نامزد نمی‌شوند نیازی نیست در مقام رئیس شورای عالی اصلاح‌طلبان از دیگران دعوت کنند.» قوچانی در ادامه عارف را به «بی‌خیالی»، «بی‌برنامگی» و «بی‌مسئولیتی» متهم کرد و رفتار و رویه باری به هر جهت» او و امثال او را عامل وضعی دانست که به گفته خود، آغاز پایان اصلاح‌طلبان خسته وناامیدار است؛ اصلاح‌طلبانی که فقط در زمین هموار می‌توانند سیاست‌ورزی کنند.

هرچه هست به‌نظر نمی‌رسد این پایان بگومگوها میان عارف و مردان تکنوکرات باشد و احتمالا با روشن‌شدن نتیجه انتخابات فاز جدیدی از آوار انتقادهای کارگزاران در انتظار رئیس شورای عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان خواهد بود.

پایان ماه‌عسل کارگزاران و اصلاح‌طلبان

غلامحسین کرباسچی، دبیرکل حزب کارگزاران و شهردار پایتخت در سال ۷۶ با اتهامات مالی گسترده‌ای روبه‌رو و بعد از طی مراحل دادگاه در سال ۷۷ محکوم شد. کارگزارانی‌ها که تا زمان دولت اصلاحات فعالیت رسمی‌شان به همان گروه ۱۶-۱۰ نفره مسئولان اجرایی دولت سازندگی بازمی‌گشت با روی کار آمدن دولت اصلاحات، به‌صورت رسمی برای تبرئه خود به‌عنوان یک حزب اقدام کردند و توانستند بیست‌وپنج مرداد ماه ۱۳۷۸ مجوز رسمی فعالیت خود را با عنوان «حزب کارگزاران سازندگی ایران» با امضای امانی، خانم مقیمی، اعظم نوری، عباس علیخانی، علی‌اشرف افخمی، سیدافضل موسوی، مهندس بناء، سیدعبدالله حسینی، عباسعلی الماداری، فرزانه ترکان، خانم کفایتی، جعفرنبش خانجانی و ملکی به کارگزاران اضافه شدند؛ اقدامی که درنهایت منجر به استعفای رئیس هیات‌موسس کارگزاران از این حزب شد (شهریور ۹۳). محمد هاشمی همان گونه که پیش از این به «فرهیختگان» گفته بود، به‌صراحت اعلام کرد: «به‌نظر من کارگزاران دیگر بیشتر شبیه یک جبهه شده است نه یک حزب. حزب یک اساسنامه و مرامنامه مشخصی دارد ولی ترکیب شورای مرکزی حزب کارگزاران به گونه‌ای پیش رفت که بیشتر شبیه جبهه شد نه حزب. به‌عبارت دیگر، اشخاصی در این گروه حضور دارند که از بدو تاسیس ما با کارگزاران» نبودند و در بوهه‌هایی، منتقد «کارگزاران» بوده‌اند. به‌نظر من این شروع نمی‌تواند پایان خوشی داشته باشد. البته در غیر این صورت آنها اقدام به تهیه لیست می‌کنند. خواسته آنها این بود که حداقل پنج‌نفر از افرادی را که معرفی می‌کنند در لیست خودمان قرار دهیم. واقعیت این است که از قبل برنامه‌ها ردیف بود و آنها هم کسانی را پیشنهاد داده بودند که ما نمی‌توانستیم همه را به‌راحتی قبول کنیم. آقای هاشمی ادامه دادند آقایان امامی‌جماراني، توسلی، محمدعلی واکنش، محجوب و یک نفر دیگر که بعدا گفتند عبدالله نوری.» آن گونه که ناطق‌نوری نقل کرده است جامعه روحانیت با این افراد مخالفت می‌کند اگرچه بعد از آن امامی‌جماراني، توسلی و انصاری تاکید می‌کنند که اصلا کاندیدا نیستند. از این رو به گفته شیخ‌نور «معلوم شد که اصلا موضوع چیز دیگری بوده و آن بحث کارگزاران بود که آقای هاشمی آنها را مطرح کرده بود». ناطق‌نوری ادامه داده که «آقای هاشمی در یک مقطعی به من گفتند فائزه دختر ایشان- را هم در لیست بگذارید. من گفتم اصلا جامعه روحانیت با این تفکر نمی‌سازد.... درواقع معرفی این نامزدها بهانه‌ای برای اعلام موجودیت کارگزاران بود.» کارگزاران توانستند فائزه هاشمی را با رای بالا در همان مرحله اول انتخابات به‌عنوان نفر دوم تهران و بعد از شیخ‌نور به کرسی‌های مجلس برسانند. جالب اینکه در این انتخابات تنها همین دو نفر بودند که از حوزه انتخابیه تهران توانسته بودند در همان مرحله اول پیروزی خود را در انتخابات قطعی کنند؛ پیروزی‌ای که خبر از رقابت تنگاتنگ جامعه روحانیت و کارگزارانی‌های تازه به میدان آمده داشت. حجم عظیم تبلیغات انتخاباتی کارگزاران به‌گونه‌ای بود که به گفته

ترمیم و خروج از انزوا

دولت تدبیر و امید و پیروزی حسن روحانی در انتخابات سال ۹۲ خون تازه‌ای در رگ‌های خشک‌شده کارگزاران دمید. فروردین ماه ۹۳، غلامحسین کرباسچی از ترمیم کارگزاران خبر داد و اعلام کرد براساس این ترمیم‌ها تعداد اعضای شورای مرکزی کارگزاران از ۳۱ نفر افزایش یافته است و نیروهای مختلفی در این مجموعه حضور پیدا کرده‌اند. پیش از آن علاوه‌بر کرباسچی، محمد، محسن، علی و فائزه از هاشمی‌ها همراه با سیدحسین مرعشی، رضا قلی‌زاده، اسحاق جهانگیری، اسماعیل جبرائیلی، عبدالله طاهرنژاد، سیدحسین مرعشی، رضا امراللهی، رضا ملک‌زاده و عبدالناصر همتی شورای مرکزی کارگزاران را تشکیل می‌دادند. در مرحله ترمیم نیز محمدحسین عادلی، سعید لیلاز، محمد قوچانی، علی جمالی، شهرباغو امانی، خانم مقیمی، اعظم نوری، عباس علیخانی، علی‌اشرف افخمی، سیدافضل موسوی، مهندس بناء، سیدعبدالله حسینی، عباسعلی الماداری، فرزانه ترکان، خانم کفایتی، جعفرنبش خانجانی و ملکی به کارگزاران اضافه شدند؛ اقدامی که درنهایت منجر به استعفای رئیس هیات‌موسس کارگزاران از این حزب شد (شهریور ۹۳). محمد هاشمی همان گونه که پیش از این به «فرهیختگان» گفته بود، به‌صراحت اعلام کرد: «به‌نظر من کارگزاران دیگر بیشتر شبیه یک جبهه شده است نه یک حزب. حزب یک اساسنامه و مرامنامه مشخصی دارد ولی ترکیب شورای مرکزی حزب کارگزاران به گونه‌ای پیش رفت که بیشتر شبیه جبهه شد نه حزب. به‌عبارت دیگر، اشخاصی در این گروه حضور دارند که از بدو تاسیس ما با کارگزاران» نبودند و در بوهه‌هایی، منتقد «کارگزاران» بوده‌اند. به‌نظر من این شروع نمی‌تواند پایان خوشی داشته باشد. البته در غیر این صورت آنها اقدام به تهیه لیست می‌کنند. خواسته آنها این بود که حداقل پنج‌نفر از افرادی را که معرفی می‌کنند در لیست خودمان قرار دهیم. واقعیت این است که از قبل برنامه‌ها ردیف بود و آنها هم کسانی را پیشنهاد داده بودند که ما نمی‌توانستیم همه را به‌راحتی قبول کنیم. آقای هاشمی ادامه دادند آقایان امامی‌جماراني، توسلی، محمدعلی واکنش، محجوب و یک نفر دیگر که بعدا گفتند عبدالله نوری.» آن گونه که ناطق‌نوری نقل کرده است جامعه روحانیت با این افراد مخالفت می‌کند اگرچه بعد از آن امامی‌جماراني، توسلی و انصاری تاکید می‌کنند که اصلا کاندیدا نیستند. از این رو به گفته شیخ‌نور «معلوم شد که اصلا موضوع چیز دیگری بوده و آن بحث کارگزاران بود که آقای هاشمی آنها را مطرح کرده بود». ناطق‌نوری ادامه داده که «آقای هاشمی در یک مقطعی به من گفتند فائزه دختر ایشان- را هم در لیست بگذارید. من گفتم اصلا جامعه روحانیت با این تفکر نمی‌سازد.... درواقع معرفی این نامزدها بهانه‌ای برای اعلام موجودیت کارگزاران بود.» کارگزاران توانستند فائزه هاشمی را با رای بالا در همان مرحله اول انتخابات به‌عنوان نفر دوم تهران و بعد از شیخ‌نور به کرسی‌های مجلس برسانند. جالب اینکه در این انتخابات تنها همین دو نفر بودند که از حوزه انتخابیه تهران توانسته بودند در همان مرحله اول پیروزی خود را در انتخابات قطعی کنند؛ پیروزی‌ای که خبر از رقابت تنگاتنگ جامعه روحانیت و کارگزارانی‌های تازه به میدان آمده داشت. حجم عظیم تبلیغات انتخاباتی کارگزاران به‌گونه‌ای بود که به گفته

بیانیه و اطلاعیه‌های رسمی حزب کارگزاران در سال ۹۸	
محکومیت تروریستی خواندن سپاه	۲۰ فروردین
اطلاعیه گردهمایی روز جهانی قدس	۱۳ خرداد
اطلاعیه (روابط‌عمومی کارگزاران) پیرامون انتشار یادداشتی در سایت انتخاب	۱۹ خرداد

نایب‌رئیس و فرزانه ترکان به‌عنوان منشی هیات‌رئیسه انتخاب شدند. ۱۱ اردیبهشت ماه نیز به پیشنهاد غلامحسین کرباسچی و تایید شورای مرکزی، علیرضا سیاسی‌راد به‌عنوان قائم‌مقام دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی انتخاب شد.

ادامه از صفحه ۲

مرعشی، سخنگوی حزب کارگزاران در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

به اندازه کافی کاندیدا داریم، فقط دست‌مان را رو نمی‌کنیم

غلامحسین کرباسچی، دبیرکل حزب کارگزاران این روزها گاه و بی‌گاه از بی سر و سامانی جریان متبوعش شکایت می‌کند. طاهرنژاد، نایب‌رئیس شورای مرکزی این حزب نیز همین چند روز پیش بود که در ارگان رسمی حزب کارگزاران از بی‌برنامگی و انفعال جریان اصلاحات نوشت و از ستادهای انتخاباتی گفت که هنوز تکلیف‌شان در شورای‌عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان مشخص نیست. این اعضای شورای مرکزی کارگزاران معتقدند تا اینجای کار انتخابات به دلیل بی‌عملی و کم‌اثری شورای عالی در ترغیب داوطلبان جهت ثبت‌نام چهره‌های شاخص اصلاح‌طلب در سراسر کشور که قابلیت حضور در عرصه انتخابات و نقش‌آفرینی در مجلس را داشتند از ثبت‌نام باز ماندند. این گزاره در میان چهره‌های مختلف از شورای مرکزی این حزب چنان پررنگ است که محمد قوچانی، دیگر عضو شورای مرکزی کارگزاران و سردبیر ارگان رسمی این حزب (روزنامه سازندگی) نیز با پایان ثبت‌نام داوطلبان انتخاباتی به قول خودش «عاجزانه» به نوعی شکست زودهنگام در رقابت انتخاباتی را اعلام کرد و نوشت: «این روزها آنقدر علیه نهاد انتخابات و اصلاحات حرف زدند که خودشان هم ظاهرا از اصلاحات و انتخابات پشیمان شده‌اند و توبه کردند و از سر بی‌خیالی و بی‌برنامگی و به نظرم بردباری ما را در مقابل اصولگرایان جوان رها کردند....» با این حال حسین مرعشی، سخنگوی حزب کارگزاران به «فرهیختگان»، گفت تمام سازوکارهای انتخاباتی اصلاح‌طلبان مشخص است و به قول مرعشی فقط دست‌شان را رو نمی‌کنند که رو دست نخورند. آنچه در ادامه می‌آید مشروح گفت‌وگوی «فرهیختگان» با حسین مرعشی، سخنگوی حزب کارگزاران است.

!!!

به نظر شما مجلس یازدهم به کدام یک از مجالس شورای اسلامی بیشترین شباهت را خواهد داشت؟

امیدواریم مجلس آینده به مجلس پنجم شبیه باشد. شرایط فعلی به‌گونه‌ای نیست که یک جناح از جناح‌های کشور اکثریت مطلق را داشته باشد. از این رو به نظر ما مجلسی ائتلافی شکل خواهد گرفت؛ مجلسی شبیه به مجلس پنجم.

برخی اصلاح‌طلبان تاکید دارند هنوز برای ارائه لیست انتخاباتی، تصمیمی گرفته نشده و محتمل است که در انتخابات مجلس یازدهم از ارائه لیست امتناع کنند. در این صورت راهبرد کارگزاران چه خواهد بود؟ آیا کارگزاران به تنهایی لیست انتخاباتی خود را عرضه خواهد کرد؟

اصلاح‌طلبان حتما لیست خواهند داد. اما و اگری هم در این خصوص وجود ندارد. هیچ گروهی از اصلاح‌طلبان چنین اعتقادی (عدم ارائه لیست انتخاباتی) ندارد. کارگزاران و سایر اصلاح‌طلبان با هم لیست واحد خواهند داد.

با این وصف چرا سازوکارهای انتخاباتی در شورای‌عالی هنوز مشخص نیست؟

تمام سازوکار انتخاباتی ما روشن است فقط ما خیلی دست‌مان را رو نمی‌کنیم که رو دست نخوریم.

پیش از این تاکید داشتید سیاست کارگزاران تشویق و بسیج لیست و سیاست‌تان این است تنها کسانی که از خط قرمزهای نظام در گذشته عبور نکرده‌اند بیایند و ثبت‌نام کنند. با توجه به نحوه ثبت‌نام‌ها به نظر شما اصلاح‌طلبان در این زمینه درست عمل کرده‌اند؟

بله، به اندازه کافی کاندیدا داریم و منتظریم بررسی تایید صلاحیت‌ها تمام شود که برای لیست‌ها تصمیم بگیریم.

حالت انفعال و انسدادی که در بین برخی احزاب و گروه‌های اصلاح‌طلب وجود دارد از چه چیزی ناشی می‌شود؟

متلاءحه کسانی؟

مثلا حزب اتحاد ملت.

نه آنها هم خیلی جدی هستند. دبیرکل‌شان به‌عنوان داوطلب برای انتخاب مجلس ثبت‌نام کرده، چه انفعالی؟!

برخی اصلاح‌طلبان از جمله اعضای شورای مرکزی حزب اتحاد ملت معتقدند انگیزه مشارکت سیاسی در بین اصلاح‌طلبان به دلیل از بین رفتن بدنه اجتماعی‌شان از بین رفته است؟

اصلاح‌طلبان هنوز قوی‌ترین پایگاه اجت